جعل در دوران آزادی مشروط

رئیس کلانتری ۱۳ آبان از دستگیری یك جاعل اسناد دولتی و کشف ۳۰۰۰ برگ اسناد و مدارك از وی خبر داد.

به گزارش جام جم، سرهنگ عبدالوهاب اعلایی در تشریح این خبر گفت: حدود یك هفته پیش از طریق تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ و ارائه گزارشی در مورد فعالیت فردی در امر جعل اسناد و مدارك، رسیدگی به موضوع آغاز و متهم موردنظر دستگیر شد. در بازرسی مخفیگاه متهم، بیش از ۳۰۰۰ برگ سند رسمی و اسناد هویتی جعلی کشف و ضبط شد.

متهم چند سال قبل نیز به همین اتهام به زندان افتاده و پس از تحمل یك‌سال حبس با قید وثیقه آزاد شده بود، اما دوباره به اتهام جعل اسناد به زندان افتاده و این‌بار محکوم به سه سال حبس تعلیقی شده و در حال سپری کردن آن بوده که در دوران آزادی مشروط برای سومین بار به اقدامات مجرمانه خود روی آورده است.

زهر عقرب در جنوب کشور همچنان قربانی می گیرد

نیش عقرب به جان کودک ۲ ساله

فاطمه شیخ‌علیزاده

حوادث

عقرب‌گزیدگی در شهرستان اندیکا، روزهای کرونایی را به کام اهالی تلخ‌تر کرده است. یك ماه قبل زن جوان اندیکایی که مادر پنج فرزند بود به خاطر عقرب‌زدگی جان خود را از دست داد و این‌بار عقرب به جان کودك دو ساله افتاد و جان او را گرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، مادر عرفان خانه و زندگی‌اش را رها کرده و می‌گوید: «دیگر نه به آن خانه برمی‌گردم و نه به آن روستا.» این روزها مادر عرفان طهماسبی گوشه خانه پدرشوهرش در روستای زیر تنگ آب زر شهرستان اندیکای خوزستان کز کرده است. در یك دستش پیراهن عرفان را نگه‌داشته و در دست دیگرش اسباب‌بازی پسرك را که آن را خیلی دوست داشت.

از صبح چهارشنبه که پسر دو ساله‌اش ناخوش شد، ورق زندگی برایش برگشت و هنوز مرگ عرفان را باور ندارد. حال پسرك تا شب قبل خوب بود و هنوز صدای بازی‌کردن و شیرین‌زبانی‌اش در ذهن مادرش می‌پیچد. مادر عرفان در گفت‌وگو با جام جم در مورد روز حادثه گفت: «صبح خیلی زود با صدای گریه عرفان از خواب بیدار شدم. بین خواب و بیداری ناله می‌کرد. بالا سرش رفتم و دیدم بدن او یخ کرده ولی خیس عرق بود. خیلی ترسیدم. حال عرفان شب قبل موقع خواب خوب بود و با دیدن او در آن حال خیلی شوکه شدم. پسرم به سختی نفس می‌کشید و همین بیشتر من را می‌ترساند. سریع دختر هفت ساله‌ام را صدا زدم و به او گفتم عمویش را خبر کند که با هم عرفان را به درمانگاه ببریم.»

عرفان

بی‌قراری عرفان هر لحظه بیشتر می‌شد و مادرش نمی‌دانست چه بلایی سر کودك خردسال‌اش آمده است: «می‌خواستم او را بغل کنم و در آغوشم آرامش کنم. یکدفعه ناله‌ای کرد و دستش را کشید و گفت دستم درد می‌کند. اول نفهمیدم با زبان کودکانه‌اش چه می‌گوید، اما وقتی برای دومین بار دستش درد گرفت جیغ بدی زد و تازه متوجه شدم که دست راستش درد بدی دارد.»

مادر عرفان به کمك عموی او خیلی سریع عرفان را به درمانگاه اندیکا رساندند و آنجا بود که پزشك با معاینه پسر خردسال به مادر او گفت که نیش عقرب عرفان را به این حال و روز انداخته است.

مادر عرفان در ادامه گفت: «پسرم کوچك بود و نمی‌توانست درست دردش را بگوید. عمویش که او را بغل کرد، می‌گفت شکمم هم درد می‌کند. از درد، پاهایش را می‌کشید. دکتر گفت عقرب او را نیش زده و یك قسمت دستش سفت شده بود، اما من نمی‌دانستم چرا این بلا سر بچه‌ام آمده بود و عقرب را ندیده بودم. در منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم عقرب زیاد است و پزشك می‌گفت او را دیر به درمانگاه رسانده‌اید و برای همین حال او وخیم است. درمانگاه اندیکا امکانات و رسیدگی خوبی نداشت و زمانی که حال عرفان لحظه‌به‌لحظه بدتر می‌شد، تصمیم گرفتند او را به بیمارستان مسجد سلیمان ببرند.»

آمبولانس از راه رسید و پسر بچه دو ساله را راهی بیمارستان مسجد سلیمان کردند اما عرفان قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد و به بیمارستان نرسید.

مادر عرفان در آخر گفت: «بعد از این اتفاق به خانه پدر همسرم آمدم و دیگر به خانه خودمان برنمی‌گردم. چند روز است زندگی بدون پسرم برایم جهنم است. اگر امکانات درمانگاه بهتر بود و رسیدگی بهتری به او می‌شد شاید به این زودی فرزندم را از دست نمی‌دادم. در حالی که من زنده‌ام، برخی اعلام کرده‌اند مادر عرفان هم چندی قبل بر اثر عقرب‌زدگی جان باخت.»

آزادبخت، مسوول پیشگیری شبکه بهداشت و درمان اندیکا در مورد مرگ عرفان به جام جم گفت: «زمانی که خانواده عرفان به درمانگاه مراجعه کردند اسمی از عقرب زدگی نیاوردند و با توجه به علائمی که در این کودك دیده می‌شد احتمال عقرب‌زدگی داده و اقدامات درمانی لازم برای او انجام شد، اما یك ساعت بعد از رسیدن به بیمارستان وقتی حال کودك وخیم شد مقدمات انتقال او به بیمارستان مسجد سلیمان فراهم شد و در حال حاضر هم جسد کودك برای تعیین علت دقیق تامه فوت به پزشکی قانونی فرستاده شده است.»

جان‌هایی که گرفته می‌شود

عرفان اولین یا آخرین قربانی نیش عقرب در جنوب کشور نخواهد بود و هر سال کودکان و بزرگسالانی جان خود را با زهر عقرب از دست می‌دهند، اما امسال بیشتر قربانیان آن کودکان بودند. ۲۹ فروردین امسال دختر هفت ساله بشاگردی به نام رباب در کپر توسط عقرب گزیده شد و جانش را از دست داد. سه روز بعد هم پسربچه شش ساله اهل جاسك، دچار عقرب‌گزیدگی شد و تلاش‌ها برای نجات جانش بی‌نتیجه ماند. مریم دختر نوجوان بشاگردی هم شانزدهم تیرماه با نیش عقرب جان باخت. مریم ۹ سال قبل برادرش را به خاطر عقرب‌زدگی از دست داده و حالا خودش دومین قربانی خانواده بود. محبت صادقی، مادر پنج کودك در اندیکا نیز دهم تیر امسال قربانی نیش عقرب شد.

محاکمه دوباره آرمان به اتهام قتل غزاله

آرمان، پسر جوانی که متهم به قتل دختر جوانی به نام غزاله است، پس از توقف اجرای حکمش و قبول درخواست اعاده دادرسی، ۲۲ شهریور دوباره محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده جنجالی از ۱۲ بهمن ۹۲ با ناپدید شدن دختر جوانی به نام غزاله آغاز شد. آن‌طور که خانواده غزاله به پلیس گفته بودند، دخترشان برای رفتن به مطب دکتر از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته بود.

پلیس با بررسی تماس‌های غزاله متوجه شد، او روز ناپدید شدنش با پسری به نام آرمان تماس داشته است. با کشف این سرنخ آرمان دستگیر شد و در تحقیقات به قتل غزاله اعتراف کرد و گفت: من و غزاله چندی قبل در سفری که همراه خانواده‌هایمان به ترکیه رفته بودیم، آشنا شدیم. ارتباط‌مان ادامه داشت تا این‌که غزاله تصمیم گرفته از ایران برود. روز حادثه برای صحبت به خانه‌مان آمد که با هم بحث کردیم. او را هل دادم. روی زمین افتاد و بیهوش شد. بعد با میله چند ضربه به سرش زده و جسدش را در چمدان گذاشته و از خانه بیرون بردم و داخل سطل زباله در خیابان میرداماد انداختم.

در حالی که جسد غزاله پیدا نشد، آرمان پای میز محاکمه قرار گرفت و این بار اعترافات قبلی‌اش را رد کرد و گفت: من غزاله را نکشتم. او هنگام خروج از خانه از پله‌ها سقوط کرد.

سرانجام برای پسر جوان حکم قصاص صادر و در دیوان‌عالی کشور تائید شد.

با گذشت شش سال از قتل، نام آرمان در فهرست اعدامی‌ها قرار گرفت اما در روز اجرای حکم، پدر و مادر غزاله یك ماه به او فرصت دادند تا اعلام کند جسد غزاله را کجا مخفی کرده است. در این فرصت وکیل آرمان به خاطر ابهامات پرونده، درخواست اعاده دادرسی را مطرح کرد که قبول شد و با نظر قضات دیوان‌عالی کشور، پرونده برای رسیدگی دوباره به دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد. قرار است آرمان ۲۲ شهریور امسال دوباره در شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شود.

اخاذی به سبك جرات یا حقیقت

پسر تبهکار که با راه‌اندازی چالش جرات یا حقیقت به دنبال اغفال نوجوانان در اینستاگرام بود، با رصد لحظه‌ای پلیس فتا دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ماموران پلیس فتای استان فارس چندی قبل متوجه شدند، صفحه‌ای با عنوان بازی جرات یا حقیقت در اینستاگرام راه‌اندازی شده و مدیر این صفحه به دنبال اغفال و اخاذی از پسران نوجوان است. متهم به بهانه شرکت در این بازی از طعمه‌هایش می‌خواست کارهای عجیب انجام داده و عکس و فیلم آن را برایش ارسال کنند.

ماموران که با بررسی رصد لحظه‌ای این صفحه متوجه فعالیت مجرمانه متهم شده بودند، با ردیابی‌های خود متهم را در استان دیگری شناسایی کرده و با دستور قضایی راهی منزل وی شدند. متهم با مشاهده ماموران با چاقو به سمت آنها حمله کرد و قصد داشت با زخمی کردن آنها فرار کند که ناکام ماند و دستگیر شد.

معاون اجتماعی پلیس فتای ناجا دراین‌باره به جام جم گفت: متهم دو نوجوان را فریب داده بود که با رصد لحظه‌ای ماموران قبل از اخاذی دستگیر شد و به هدف خود نرسید. صفحه‌اش در اینستاگرام هم مسدود شد.

سرهنگ رامین پاشایی افزود: با شروع فصل فراغت دانش‌آموزان و نظر به رعایت توصیه‌های آموزشی مسوولان بهداشتی کشور مبنی بر عدم ترددهای غیرضروری، میزان استفاده از فضای مجازی بخصوص وبگردی افزایش چشمگیری یافته که این فضا بستری را برای اغفال و سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان فراهم آورده است. خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی داشته باشند و با مشاهده موارد مشکوك موضوع را به پلیس فتا اطلاع دهند.

راز جنایت دختر ۲۰ ساله در عمق چاه

دختر ۲۰ ساله که در پی اختلاف با مردی او را در چاهی انداخته و باعث مرگ او شده بود، بازداشت شد.

به گزارش جام جم، هفته گذشته خانواده پسری جوان با مراجعه به پلیس آگاهی جهرم از ناپدید شدن او خبر دادند. پس از این شکایت، ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و متوجه شدند پسر ۲۸ ساله، آخرین بار با دختر ۲۰ ساله‌ای که ساکن یکی از روستاهای جهرم است تماس تلفنی داشته است.

با کشف این سرنخ، دختر ۲۰ ساله دستگیر شد و در جریان تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: مدتی بود مقتول را می‌شناختم و هفته قبل برای صحبت به منطقه‌ای در اطراف لارستان رفتیم که در آنجا بحث‌مان شد و او را داخل چاهی در آن منطقه پرت کردم و به خانه بازگشتم.

سرهنگ کاووس محمدی، معاون اجتماعی پلیس استان فارس دراین‌باره به جام جم گفت: پس از اعتراف دختر جوان تیمی از ماموران راهی چاه مورد نظر شده و با راهنمایی متهم، جسد مقتول را از داخل آن خارج کردند.

وی افزود: جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

رفیق‌کشی در جنایت مستانه

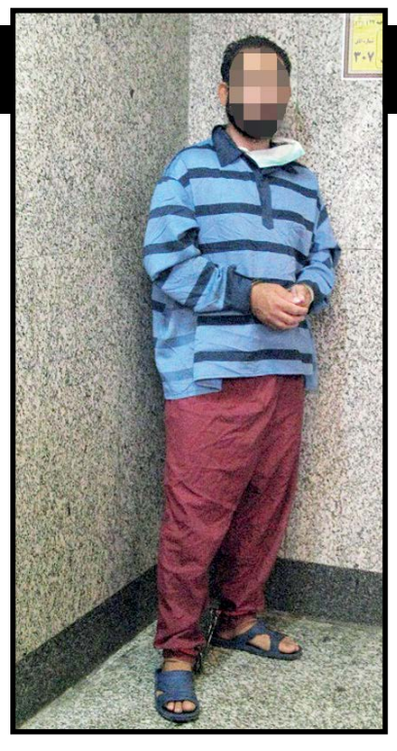

درگیری دو پسر جوان به خاطر سیم کلاچ در پارك بی‌سیم، جنایتی تلخ را رقم زد. قاتل پس از پنج روز زندگی مخفیانه، خود را تسلیم پلیس کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه بیست و چهارم تیر امسال مرد جوانی از خانه‌شان در یکی از محله‌های تهران بیرون رفت و ساعتی بعد یکی از دوستان وی به خانواده‌اش خبر داد او در بوستان ولیعصر، منطقه بی‌سیم چاقو خورده و کنار شمشادها افتاده است. خانواده‌اش به آنجا رفتند و او را که از ناحیه قفسه سینه زخمی شده بود، یافتند. پسر مجروح به بیمارستان منتقل شد اما به خاطر شدت خونریزی جان باخت. موضوع این جنایت به عباس بخشوده، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد و با دستور وی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران جست‌وجوها را آغاز کردند.

ماموران برای بررسی ماجرا در محل جنایت حاضر شده و با تحقیق از شاهدان ماجرا متوجه شدند که مقتول و متهم به قتل فراری از دوستان قدیمی یکدیگر بوده و هردو مست بودند که دعوای مرگباری بین آنها به‌وجود می‌آید.

متهم وقتی همه راه‌ها را به روی خود بسته دید، به اداره دهم پلیس آگاهی تهران رفت و به قتل اعتراف کرد و گفت: من و مقتول سال‌ها با هم رفیق بودیم و رفت وآمد داشتیم. آن شب در بوستان بودم که او با موتورش به آنجا آمد. خیلی عصبانی بود. هر چه گفتم چرا این‌قدر بی‌حوصله‌ای توجهی نکرد. یکدفعه دستم به سیم کلاچ موتورش برخورد کرد و کنده شد. همین باعث عصبانیت دوستم شد و با هم درگیر شدیم. با شدت درگیری هر دو سمت یکدیگر ضربه‌هایی با چاقو انداختیم که ضربه چاقوی من به او اصابت کرد. دوستم زخمی شد و کنار شمشادها افتاد. خیلی ترسیده بودم و فرارکردم. روز بعد از طریق دوستم متوجه مرگ او شدم. از صبح تا آخر شب در خیابان‌ها سرگردان بودم و بعد از راه پشت‌بام به خانه‌مان می‌رفتم و قبل از طلوع آفتاب دوباره آنجا را ترك می‌کردم و این رویه پنج روز ادامه داشت تا این‌که از فرار خسته و تسلیم شدم.

تلنگر

قتل پسر جوان بعد از ناکامی در سرقت

پلیس جنایی پایتخت در جست‌وجوی دو مرد است که پس از ناکامی در سرقت، مرتکب قتل شدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه دوم مرداد امسال مردی با اپراتور پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و در حالی که بریده‌بریده حرف می‌زد گفت من و دوستم در خیابان دولتخواه زخمی شده‌ایم به دادمان برسید، جانمان در خطر است.

بعد از آن هر چه ماموران با آن شماره تماس گرفتند کسی پاسخگو نبود. ماموران کلانتری خانی‌آباد نو برای بررسی ماجرا به محل موردنظر اعزام شده و اطراف را جست‌وجو کردند که ردی از کسی نبود اما لکه‌های خون روی زمین ریخته شده بود. اطراف را جست‌وجو کرده و با دو پسر زخمی در منطقه‌ای بیابانی روبه‌رو شدند. یکی از آنها میزان جراحاتش کمتر بود و دیگری ضربه‌ای به قفسه سینه‌اش اصابت کرده و بیهوش شده بود. مرد زخمی به ماموران گفت: دو مرد موتورسوار این بلا را سرشان آورده‌اند. دو پسر زخمی به بیمارستان منتقل شدند، اما ساعاتی بعد فرید که ضربه‌ای به قفسه سینه‌اش اصابت کرده بود فوت شد و فرهاد که جراحات کمتری داشت زنده ماند. موضوع این جنایت به ساسان غلامی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و تحقیقات پلیسی برای دستگیری قاتلان آغاز شد. فرهاد که هنوز وحشت‌زده بود و مرگ دوستش را باور نداشت در جریان تحقیقات پلیسی گفت: من و دوستم با هم در کارگاه مبل‌سازی حوالی مرتضی‌گرد کار می‌کنیم. شب حادثه در حال بازگشت به خانه بودیم که دو موتورسوار برای سرقت سد راهمان شده و با چاقو تهدیدمان کردند. در برابرشان مقاومت کردیم که مرا زخمی کرده اما دوستم فرار کرد. راکب موتور به تعقیب او پرداخت و با چاقو ضربه‌ای به سینه او زد. با فرار آنها با پلیس تماس گرفتم و درخواست کمك کردم. با اطلاعاتی که این جوان زخمی به پلیس داد، چهره‌نگاری رایانه‌ای از سارق جنایتکار و همدستش به دست آمد و آن دو تحت تعقیب ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند و دستور توقیف موتور آنها نیز صادر شد تا با دستگیری متهمان راز دیگر جرایم خشن آنها فاش شود.

فرار مرگبار پسر موتورسوار از دست پلیس

پسر جوان که به خاطر نداشتن گواهینامه فرار کرده بود، با شلیك پلیس از پا درآمد. این ادعا در حالی از سوی دوست مرد فوت شده مطرح شده که ماموران پلیس شلیك به سمت پسر جوان را تایید کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چند روزی بود که پسر جوانی از سوی خانواده‌اش به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شده بود؛ اما با وجود تلاش پزشکان ساعت ۱۵ و ۵۲ دقیقه بعدازظهر جمعه سوم مرداد امسال فوت کرد، چون مرگ او مشکوك به نظر می‌رسید، مسؤولان بیمارستان موضوع را به کلانتری کن اطلاع دادند. زمانی که ماموران در بیمارستان حاضر شدند، به تحقیق از خانواده مرد فوت شده پرداختند که آنها گفتند دوست پسرشان می‌گوید او بر اثر شلیك گلوله پلیس زخمی شده بود. موضوع به مصطفی واحدی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد و با هماهنگی قضایی جسد برای مشخص‌شدن علت مرگش به پزشکی قانونی منتقل شد. این درحالی بود که با دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران، تحقیق از دوست مرد فوت شده آغاز شد. شهروز اظهار کرد: بیست و ششم تیر امسال من و دوستم سوار موتورسیکلت هوندا شده و برای تفریح سمت جاده کن و سولقان رفته بودیم که متوجه ایست و بازرسی پلیسی در همان حوالی شدیم. به خاطر نداشتن گواهینامه فرار کردیم که ماموران سمت ما شلیك کرده و گلوله‌ای به دوستم اصابت کرد. دوستم را به بیمارستان رساندیم اما بعد از چند روز بستری شدن با وجود تلاش پزشکان فوت کرد. این در حالی بود که بررسی اولیه پزشکی نشان داد که جسمی مثل گلوله به گردن وی اصابت کرده، اما بیرون نیامده که همین مرگ او را مشکوك کرد. همچنین ماموران تیراندازی به سمت پسر جوان را تایید کردند.

تحقیقات جنایی درباره شلیك پلیس در این ماجرا ادامه دارد.